

نقدی بر ترجمه کتاب:

## ادبیات فارسی در میان هندوان

عارف نوشاهی \*



ادبیات فارسی در میان هندوان

تألیف دکتر سید عبدالله

ترجمه دکتر محمد اسلم خان

بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران، ۱۳۷۱ ش، ۲۸۲ صفحه، ۲۶۰۰ ریال.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

(I)

رساله جامع علوم انسانی

هند سرزمین ادیان و تمدنهای مختلف و گاهی متضاد است. از قرنهای  
متمادی در آنجا تلاقی ادیان و اختلاط پیروان مکاتب و مذاهب آسمانی و بومی  
ادامه دارد. دادوستد آداب و رسوم طایفه‌ای از طایفه دیگر کاملاً جریان طبیعی  
اجتماعی است. وقتی هزار سال پیش حکومت مسلمانان در هند پایه گذاری شد و  
اسلام و زبان فارسی به آن سامان رسیدند، هند چهره تازه فرهنگی گرفت و بدون

---

\* عارف نوشاهی (پاکستانی) متخصص فهرست نویسی نسخه‌های خطی فارسی و  
کتابشناسی کتابهای قدیم فارسی است.

اغراق، امروز در هند بعد از مظاهر فرهنگی هندویی، پر جلوه‌ترین مفاخر و مظاهر فرهنگی از آن اسلام و مسلمانان است. بارزترین جلوه همزیستی مسلمانان و هندوان، در پرتو ادبیات فارسی شبه‌قاره هند و پاکستان دیده می‌شود. هندوان - که در هند همیشه در اکثریت بوده‌اند - نه تنها فارسی را - که زبان دین و ادب مسلمانان می‌باشد - یاد گرفتند بلکه همه آداب و نکات تألیف و تصنیف را که نزد مسلمانان متداول بود، در آثار خود رعایت کردند. در اینجا قسمتی از دیباچه کتابی (نگاشته ۱۲۰۰ ه. ش) برای اولین بار در این مقاله چاپ می‌شود و سپس دنباله سخن ادامه خواهد یافت:

«آغاز سخن سپاس حضرت آفریدگار است تعالی شأنه که مشتی خاک را برگزیده بطغرای لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم از سایر ممکنات ممتاز گردانید؛ و ابتدای کلام ثنای پروردگار است که آدم ضعیف البنیه را بفحوای انی جاعل فی الارض خلیفه خلعت شرف بر همه مخلوقات بخشید. پادشاهی که علم و الله خلقکم افراخته اوست؛ جهان پناهی که کویس انی اعلم ما لاتعلمون نواخته او؛ عنقای بلند پرواز اندیشه هر چند در هوای حمدش بال گشود به کنگره قصر انت کما اثنتیت نتوانست رسید و شهباز تیز پر خرد چندانکه در فضای مدحش طیران نمود تا شاخ درخت لا احصی ثناء علیک نیارست پرید، ما احسن قوله:

ای برتر از آنکه داند ادراک سبحانک نحن ما عرفناک

بیهوده خرد چه پر فروزد اینجا پر جبرئیل سوزد

و درود فراوان آن سردقتر قضا، مطلع مخمس آل عبا، شاه بیت قصیده نبوت، معما گشای صحیفه رسالت، کشف رموز الهی، حلال دقایق کماهی، زبده کن فکان را رواست که انا افصح العرب و العجم بر علم لدنیش دلیلی است ساطع. و تحیت بی پایان آن بادشاه عرب و عجم، وارث لوح و قلم، باعث ایجاد عالم، فخر دودمان آدم، رهنمای گم‌گشتگان وادی ضلالت، خضر راه بیراهان بادیه جهالت را سزاست که و علمک مالک تکن تعلم بر دانایی او برهانیت قاطع. بزرگی ذاتش از

لولاک لما خلقت الافلاک پیدا و علو صفاتش از کنت نبیا و آدم بین الماء والطين  
هویدا؛ کما قبل:

محمد سرافراز خیل رسل      امان البرایا دلیل السبل  
امام الهدی اشرف المصطفین      مغیث الوری ملجأ الخاقین

سپاس و ثنای سزاوار او برو باد و بر آک اطهار او و سزاوار منقبت ذات  
عالی درجات مقبلی است که... انت منی بمنزله هارون من موسی الا أنه لا نبی  
بعدی بر سمو قدرش حجتی است واضح؛ و قابل ثنا وجود فایض الجود کابلی  
است که نحن اهل البیت لایقاس بنا احد بر علو مرتبه اش دلیلی است لایح؛ آثار  
شجاعتش از لافتی الاعلی لا سیف الا ذوالفقار ظاهر؛ و ایثار سخاوتش از الذین  
ینفقون اموالهم باللیل والنهار سراً و علانیة باهر؛ حشمت ذاتش از حدیث لحمک  
لحمی پیدا؛ و عظمت صفاتش از خبر انما انا و علی شجرة واحده هویدا؛ علمش  
از بیان انا مدینه العلم و علی بابها معلوم و عملش از عنوان فان الله هو مولاه و  
جبریل و صالح المؤمنین مفهوم؛ ما احسن قوله:

آن را که به لافتی خدا کرد ثنا مخلوق چگونه اش ستاید بسزا  
در مدح علی است یکرباعی به حساب این چار کتابی که فرستاد خدا.<sup>۱</sup>  
احتمالاً گمان برده می شود که عبارت بالا از کتابی متعلق به یکی از مؤلفان  
مسلمان شیعه مذهب است. جمله بعدی نیز از همان خطبه نقل می شود:

«اما ناز پرور نیازمندی به گوان داس هندی به نگارش می آرد».<sup>۲</sup> نویسنده  
از هندوها است به نام به گوان داس و این خطبه از تذکره حدیقه هندی او نقل  
شده است.

شاید تصور شود که این خطبه از کتاب های مسلمانان نسخه برداری شده  
است، ولی به گوان داس می نویسد:

«احقر را از بدو شعور به انتخاب دواوین قدما و سیر کتب تواریخ و

تذکره‌های شعرا شوق تمام و رغبت تام بوده است. چنانچه تا حال که یکم هزار و دو سیست هجری است مثل روضة الصفا و حبيب السیر و ترجمه عاصم کوفی و روضة الاحباب و معارج النبوة و ظفرنامه و اکبرنامه و طبقات اکبری و خلاصة - التواریخ و تاریخ فرشته و واقعات بابری و اقبالنامه جهانگیری و شاهجهان نامه و عالمگیرنامه و نزهد القلوب و دیباچه دانش و تاریخ جهانگشا و تاریخ فیروزشاهی و تاریخ بداونی و نفحات الانس و اخبار الاخیار و نگارستان و مرآت - العالم و تذکره الاولیاء و لباب الالباب و تذکره دولتشاه و تذکره سام میرزا و تذکره تقی اوحدی و تذکره نصرآبادی و تذکره شیرخان لودی و تذکره کلمات الشعرا و ریاض الشعرا و تذکره ید بیضا و تذکره خزانه عامره و تذکره باغ معانی و تذکره معاصرین و ملفوظات شیخ محمدعلی حزین علیه الرحمه و غیرها به مطالعه درآورده»<sup>۲</sup>.

اما سخن به اینجا ختم نمی‌شود یعنی بهگوان داس فقط به مطالعه کتب اکتفا نکرده بلکه:

«بسیاری از دواوین متقدمین و متأخرین انتخاب کرده و هم دو دیوان، یکی مسمی به شوقیه و دویمی به ذوقیه و سه مثنوی یکی سلسله المحبت بر وزن سلسله الذهب، دویمی مظهر الانوار بر وزن مخزن اسرار، سیومی مهرضیا بر وزن یوسف [و] زلیخا به مشق قلم شکسته رقم درآورده»<sup>۲</sup>.

در اینجا سه پاره از حدیقه هندی نقل شد و از این سه پاره این نتیجه حاصل می‌شود که:

الف - هندوان آثار خود را نه تنها با حمد خدا و نعت رسول و متقبت علی آغاز می‌کردند بلکه برای بیان مقصود از آیات قرآنی و احادیث نبوی سند می‌آوردند؛

ب - هندوان آثار مسلمانان و کتب فارسی را به شوق تمام و رغبت تام می‌خواندند؛

ج- شعرای هندو نه تنها از شعرای مسلمان تقلید می‌کردند بلکه برای آثار خود نام‌های شبیه نام‌های کتب مسلمانان انتخاب می‌کردند.

## (II)

ادبیات فارسی هندوان موضوع پایان نامه دانشمند پاکستانی دکتر سید عبدالله (۱۹۰۶-۱۹۸۶) است که برای دریافت درجه دکتری ادبیات (D. Lit.) از دانشگاه پنجاب، لاهور به زبان انگلیسی نوشته بود و بعداً آن را به زبان اردو تلخیص و ترجمه کرد و اولین بار در ۱۹۴۳ م و دومین بار در ۱۹۶۷ م منتشر نمود. وی در سالهای ۱۹۵۴-۱۹۶۶ ریاست دانشکده خاورشناسی دانشگاه پنجاب را به عهده داشت و همانجا زبانهای عربی و فارسی و اردو را تدریس می‌کرد. از جمله آثار او کتابهایی درباره ادبیات فارسی است:

۱- فهرست مشروح نسخه‌های خطی فارسی دانشگاه پنجاب، لاهور (به زبان انگلیسی)

۲- زبان و ادب فارسی (مجموعه مقالات اردو)

۳- مکاتیب غالب و غمگین

۴- مقدمه و تحشیه لطائف نامه فخری هروی

۵- تصحیح نوادر الالفاظ تألیف سراج الدین علی خان آرزو

۶- تصحیح تذکره مردم دیده از حاکم لاهوری

پایان نامه او به همت دکتر محمد اسلم خان از اردو به فارسی برگردانده شده است. زحمات مترجم قابل تقدیر و ستایش است. کتاب با نگاه تاریخی به رابطه هندوان با زبان فارسی شروع می‌شود و به شرح حال هندوان فارسی نویس از عهد اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ هـ) تا انقراض حکومت تیموریان در شبه قاره به پایان می‌رسد. مؤلف فقط به شرح حال نویسندگان و شعرا نپرداخته است بلکه

درباره آثارشان نظر انتقادی نیز اظهار داشته است و چگونگی اثرپذیری هندوان از ادبیات فارسی را بیان کرده است.

این کتاب اولین بار پنجاه سال پیش طبع شده بود و چون بیست و چهار سال بعد دوباره منتشر شد مؤلف هیچگونه تغییری در آن نداد و اکنون که این اثر مهم به فارسی ترجمه شده است همان اطلاعات نیم قرن پیش را دربرمی دارد و مترجم نه تنها نکته‌ای بدان نیفزوده بلکه در چندین مورد از اطلاعات داده شده از سوی مؤلف هم کاسته است و اگر اشتباهی در اصل کتاب بوده، آن نیز به جای خود مانده است. از مترجم - که رئیس بخش فارسی دانشگاه دهلی است - انتظار می‌رفت به کمک منابعی که در پنجاه سال اخیر در دسترس همگانی قرار گرفته،<sup>۵</sup> اطلاعات سید عبدالله را تکمیل کند.

در بعضی از موارد ترجمه خلاف متن<sup>۶</sup> و دور از مقصود مؤلف است. در ترجمه قلم افتادگی‌هایی نیز به چشم می‌خورد. اشتباهات چاپی و فهارس اعلام کذائی که مترجم در آنها مداخله‌ای نداشته به اعتبار کتاب صدمه‌ای وارد کرده‌اند. در اینجا صفحه به صفحه به بعضی نکات اشاره می‌شود و قسمت‌هایی از ترجمه با اصل (متن اردو) مقایسه می‌شود.

پژوهش‌های انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

صفحه	سطر	
۱۷	آخر	«منکران» غلط چاپی و متفکران، درست است.
۱۸	۲۰-۱۷	آنچه ترجمه شده با اصل مطابقت ندارد. باید چنین ترجمه می‌شد:

این داستان مطبوع و دلپذیر مناسبات قدیمی ما شاید امروز عجیب به نظر می‌رسد اما اقوام مختلف هندوستان همین فرهنگ مشترک را وسیله‌ای برای اتحاد و یگانگی داخلی ساخته بودند (متن اردو، صفحه ح، سطر ۱۹).

صفحه	سطر	
۱۹	۸۷	«منبعی غیر از کتابی به نام آثار شعرای هنود ... در اختیار نداشتم». اما مؤلف می‌گوید: منبعی غیر از کتابی به نام آثار شعرای هنود ... نمی‌شناختم (صفحه ط، سطر ۹-۱۰).
۱۹	۲۲-۲۱	«در ترتیب این کتاب از نسخه‌های خطی و چاپی استفاده کرده‌ام که فهرست مفصل آن در پایان این کتاب برای مطالعه خوانندگان گرامی تهیه شده است». اما مترجم فهرست منابع مؤلف را حذف کرده است. نمی‌دانیم چرا؟ ۲۰/۱۹ ۲۰-۲۳-۲۴-۱
۵۷	۱۷	«۱۰۸۲ م» غلط چاپی و ۱۰۸۲ هـ، صحیح است.
۵۷	۲۳	«رئیس محمد شفیع» اشتباه و رئیس دانشکده محمد شفیع، درست است.
۷۲	۲۲	«Sujah Rai» غلط و Sujah Rai درست است.
۷۳	۱	«دلیت رای» غلط و دلپت رای، درست است.
۸۸	آخر	«کوبین هیگن» اشتباه و کوبین هیگن، درست است.
۹۰	پاورقی	عماد السعادت از آزاد بلگرامی. این اشتباه از مؤلف بوده که در ترجمه نیز وارد شده است. عماد السعادت تألیف غلام علی خان نقوی است نه تألیف غلام علی آزاد بلگرامی.
۹۶	۱۱	«کیگوهرنامه تألیف دلی چند» اشتباه چاپی است و دُنی چند درست است.
۱۰۸	۱۰	«بهار منثر» غلط چاپی و بهار نثر، درست است.
۱۲۴	۱۵	«تذکره نظرآبادی» غلط چاپی و تذکره نصرآبادی، درست است.

صفحه	سطر	
۱۳۳	۱۴	«طبع حدت آفرین» غلط چاپی و طبع جدت آفرین، درست است.
۱۸۳	۷	«لایانه» غلط چاپی و لدهیانه / لدیانه، درست است.
۱۸۴	۸	«گجرائیه» غلط چاپی و گجراتیه درست است.
۱۸۶	۲۱	که حکم چند؛ «که» زائد است.
۱۸۷	۱۹	«نتن لال آخرین» غلط چاپی و نتن لال آفرین، درست است
۱۹۷	۱۵	«یالوسیر بحت» غلط چاپی و بابو سر یجت، درست است.
۱۹۷	۲۰	«سیتل داس ممتاز» در اصل اشتباه بوده، سیتل داس مختار، درست است.
۱۹۸	۴	«چند دلال» غلط چاپی و چندولال، درست است.
۱۹۹	۴	«به وجود آمدند» نادرست و «به وجود می آیند» مطابق اصل است.
۱۹۹	۵	«در کشوری که برای عموم مردم، احوال و اوضاع، اجتماع را تحت تأثیر قرار نمی دهد، تمام فعالیت ها بنا به شخصیت و وجود پادشاه انجام می گیرد.» ترجمه مبهم است و مطابق اصل باید چنین ترجمه شود: «در کشوری که رای مردم بر احوال و اوضاع اجتماعی تأثیر نمی گذارد، محور تمام فعالیت ها شخصیت و وجود پادشاه می باشد.» (ص ۲۳۱).
۱۹۹	۲۰-۱۹	عنوانهای مقامات عالی که در این دو سطر بیان شده، مؤلف در پاورقی منابع آنها را ذکر کرده بود اما مترجم حذف کرده است. منابع مؤلف بدین شرح است:
		<i>Mughal Administration</i> از پروفیسور سرکار، ج ۱؛ <i>Morland, Agrarian System under the Mughals.</i>



مرآة الاصطلاح (خطی، دانشگاه پنجاب)؛ معلومات الافاق  
 (خطی، دانشگاه پنجاب)؛ دستور العمل یوسف میرک  
 (خطی، دانشگاه پنجاب) و برای توضیح اصطلاحات  
 مذکور رجوع شود به:

*The Central Structure of the Mughal Empire*

از سید ابن حسن، و مقالات پروفیسور عبدالعزیز در Indian  
 Historical Journal (متن اردو، ص ۲۳۲).

- |   |               |
|---|---------------|
| <p>«واژه پتواری که قبل از مسلمانان مستعمل بود، در میان<br/>         اینها رواج داشت». مطابق اصل باید چنین ترجمه شود:<br/>         «پتواری [که واژه ایست قبل از ورود مسلمانان] ها از میان<br/>         همین گروه می بودند.» (متن اردو، ص ۲۳۳).</p> | <p>۲۰۰ ۱۲</p> |
| <p>«دفتر به زبان هندی» جمله ناتمام است و باید «بود» بدان<br/>         اضافه شود.</p>  | <p>۲۰۰ ۱۳</p> |
| <p>«قبلاً جماعتی از فارسی دان در هند موجود بود». مطابق<br/>         اصل باید چنین ترجمه شود: «قبلاً جماعتی از هندوان<br/>         فارسی دان...».</p>  | <p>۲۰۰ ۱۸</p> |
| <p>«استعداد و لیاقت و صلاحیتی که کایستها در تبدیل محیط<br/>         خود نشان دادند». مطابق اصل باید چنین ترجمه شود:<br/>         «کایستها از آن زمان تا امروز لیاقت و صلاحیت هم رنگ<br/>         شدن با محیط و حسن فهم از خود نشان داده اند».</p> | <p>۲۰۰ ۱۹</p> |
| <p>«طبق مجمع النفاثس». مؤلف در اینجا در پاورقی به مجمع -<br/>         النفاثس (خطی، دانشگاه پنجاب)، صفحه ۴۲۸ ارجاع داده<br/>         است که مترجم آن را حذف نموده است.</p>  | <p>۲۰۰ ۲۳</p> |

صفحه	سطر	
۲۰۰	۲۵	«برهمنان، کایستها را شودر تصور می‌کردند». مطابق اصل باید چنین ترجمه شود: «برهمنان که کایستها را شودر می‌گویند.» (ص ۲۳۴).
۲۰۱	۶۵	«بقول مآثر الامراء». مؤلف در پاورقی به مآثر الامراء جلد ۲ صفحه ۲۳۷ و ج ۳ ص ۳۴۴ ارجاع داده است (متن اردو، ص ۲۳۴) اما مترجم آن را حذف کرده است.
۲۰۱	۹۸	«این جماعت... بسیار شهرت دارد». مؤلف در اینجا در پاورقی به هشت مأخذ ارجاع داده است که در ترجمه نیامده است.
۲۰۲	۱	قبل از آغاز سطر اول، در متن اردو ص ۲۳۶، س ۹-۱ مطلبی است که در ترجمه از قلم افتاده است.
۲۰۲	آخر	«(رقعات، ص ۹۵) (ترجمه اردو، ج ۱، ص ۷۱)». باید چنین نوشته می‌شد: «(رقعات، ص ۹۵) و نیز برنیر، ترجمه اردو...». <i>گروه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی</i>
۲۰۳	۱	« <i>Iranian Role in India</i> ». در متن اردو در صفحات ۲۳۷ و ۳۶۵ نام این منبع به صورت «ایرین» ضبط شده است و نه «ایرانیین». ایرین یعنی Aryan = آریائیها.
۲۰۳	۷	«گورکانیات» غلط چاپی و گورکانیان، درست است.
۲۰۳	۲۰	«آئین اکبر» غلط و آئین اکبری، درست است.
۲۰۴	۲۰	«برای آموزش سانسکریت، کالج سانسکریت را گشایش نمود». مطابق اصل باید چنین باشد: «برای آموزش سانسکریت در بنارس کالج...» (ص ۲۴۰).
۲۰۶	۱۷	«صابین» غلط چاپی و صابین، درست است.

صفحه	سطر	
۲۰۷	۱۰	«شرح چغمی» غلط و شرح چغمینی، درست است.
۲۰۷	۲۱	«هر باسواد به اینها آشنایی داشت». مطابق اصل باید چنین ترجمه شود: «هر باسواد کم و بیش فکر سخن می‌کرد».
		(ص ۲۴۳).
۲۰۷	۲۳	«مواقعه» را باید «مواقع» نوشت.
۲۰۸	۱	«در تذکره خوش نویسان ذکر خطاطان عالی مقام آمده است». که مطابق اصل باید چنین ترجمه شود: «در تذکره خوشنویسان ذکر حداقل بیست نفر خطاط عالی مقام آمده است». (ص ۲۴۴).
۲۰۸	۱۰	«استادان پیش مخزن» را باید «استادان پیش خود مخزن» خواند.
۲۰۸	۱۳	«مواقعه» را باید «مواقع» نوشت.
۲۰۹	۲۳	«قلندر بخش حرات» را باید قلندر بخش جرأت، خواند.
۲۱۱	۳	«حدت طبع» را باید جدت طبع، خواند.
۲۱۱	۹	«در این عصر هر کس شخصیت او را بنا به علم او دوست می‌داشت. به الفاظ دیگر در آن عصر کسی پیش از کسب فیض در زمینه علم و ادب، خودش را کامل نمی‌پنداشت».
		که مطابق اصل باید چنین ترجمه شود: «در آن عصر چه دشمن و چه دوست، هر کس مهارت علمی او را قبول داشت. به الفاظ دیگر در آن عصر کسی در زمینه علم و ادب خودش را کامل نمی‌پنداشت مگر زمانی در حلقه شاگردان آرزو شامل می‌شد». (ص ۲۴۸).
۲۱۲	۱۸	«ما بین هندوان و مسلمانان یک نوع نفرت وجود دارد».

- مؤلف به جای کلمه «نفرت» کلمه «مغایرت» به کار برده است.
- ۲۱۲ ۲۴-۲۱ «استاد شاگردان هندو را مثل شاگردان مسلمان دوست و صمیمی داشت. بین هندو و مسلمان امتیازی نبود و یک نوع اتحاد و برادری موجود بود. خصومت و نفرت مثل امروز اصلاً نشان نداشت». مطابق اصل باید چنین ترجمه می‌شد: «استاد نسبت به آموزش شاگرد هندو همانقدر مراقب بود که نسبت به بهبودی شاگرد مسلمان خود، بین هندو و مسلمان امتیازی نبود و یک نوع اتحاد و برادری و مودت و یگانگی موجود بود. تلخکامی که امروز در هندوستان وجود دارد اصلاً نام و نشان نداشت». (ص ۲۵۰).
- ۲۱۴ ۲۱ «دبیر صاحب قبله پیر و مرشد» را باید چنین خواند: میر صاحب قبله، پیر و مرشد.
- ۲۱۴ ۲۳ «قصیده‌ای به زبان اردو به مدح او نوشت». مترجم اشعار قصیده را حذف کرده است. ضبط اشعار مذکور مشکل نیست و ثانیاً نشان دهنده تأثیر فارسی بر اردو و تأثیر اصطلاحات اسلامی بر هندوان است. قصیده اینست:
- سرور هر دو جهان آزاد هی      والی کون و مکان آزاد هی  
 کنت کنزاً کی معانی پر خیر      واقف سرّ نهران آزاد هی  
 مرکز ادوار چرخ چنبیری      قطب الاقطاب زمان آزاد هی
- ۲۱۵ ۲۲-۲۱ «در این دور کتب متعدد اما بی ارزش و مملو از صنغ و تکلف و نقص نگاشته شدند» را باید چنین خواند: «در این

صفحه	سطر	
۲۲۱	۱۹	دور... مملو از تصنع و تکلف و تقلید ناقص نگاشته شدند». بعد از «قرار دادند» باید این جمله را افزود: و کتابهایی در پاسخ ایرادهای مبلغان مسیحی تألیف کردند. (ص ۲۶۲).
۲۲۱	۲۲	«دوازده نفر سند مهارت نامه را بدست آورده بودند». مطابق اصل باید چنین ترجمه شود: «دوازده نفر سند مهارت تام در خط شکسته به دست آورده بودند». (ص ۲۲۱).
۲۲۲	۵	«راجانند وام» غلط چاپی و راجانند رام، درست است.
۲۲۲	۷	«شنکرتوساری» غلط چاپی و شنکر نوساری، درست است.
۲۲۲	۹	«ارزش کل» را باید ارزش کلی خواند.
۲۲۲	۱۳	«به نظر ما مؤلفان هندو معمولاً از مؤلفان مسلمان کمتر نبودند». اما مقصود مؤلف چنین بوده: «به نظر ما مؤلفان معمولی هندو از مؤلفان معمولی مسلمان کمتر نبودند». (ص ۲۶۳).
۲۲۲	۲۱	«حق نداریم که مؤلفان هندو را» در اصل چنین بوده: «حق نداریم که فارسی دانی مؤلفان هندو را». (ص ۲۶۳).
۲۲۳	۲۶	«واضح» غلط چاپی و واضح، درست است.
۲۲۴	۱۰	«شوخی، آسمانی داد، ما بین سوری و فیضی» را باید چنین خواند: شوخی «آسمانی داد» درباره سعدی و فیضی. و مؤلف در پاورقی بدان اشاره کرده است، یعنی: شوخی «سخن فهمی عالم بالا معلوم شد». (ص ۲۶۵) اما مترجم این پاورقی را حذف کرده است.

صفحه سطر

۲۲۵ ۱۰-۸ «غالب و همفکرانش... بنا به میهن پرستی بود و حتی آنها نمی‌خواستند هندوان را برابر مسلمانان هند بدانند و حق هم داشتند». مطابق اصل باید چنین ترجمه می‌شد: «... بنا به تمصّب میهنی و وطنی نه تنها مسلمانان هندی را بلکه هندوان را - که از هر لحاظ استحقاق داشتند - نیز واقعی نمی‌نهادند». (ص ۲۶۷).

\* \* \*

در این ترجمه از صفحه ۲۳۳ تا ۲۷۲ فهرستهای نامها و جایها و کتب و مجلات و غیره آمده که یکی از دوستان ایرانی مترجم استخراج و تهیه کرده است. متأسفانه فهارس مذکور نازلترین نمونه فهرست نویسی و ضبط اعلام می‌باشد. تهیه‌کننده فهارس در آن سلیقه‌هایی را به کار برده است که تاکنون نگارنده در آداب فهرست نویسی ندیده بودم. اگر نوآوری و سلیقه مفید و مثبت باشد تعرضی نیست اما در اینجا سلیقه تهیه‌کننده، فهارس مذکور را عاقل و باطل و انبوهی از اشتباهات ساخته است. این امر ناشی از عدم آشنایی تهیه‌کننده فهارس از اعلام هند است و ثانیاً چون در خود متن (یعنی ترجمه) بعضی اعلام نادرست چاپ شده است نتیجتاً در فهارس نیز به همان صورت منتقل شده است و مصداق:

خشت اول چون نهد معمار کج    تا ثریا می‌رود دیوار کج

واقع گردیده است. برخی مثالها را می‌آوریم:

صفحه	ستون / سطر	نادرست	درست
۲۳۳	۲۷/۱	بهار نثر	بهار منثر
۲۳۶	۱۶/۱	بابر الی اورنگ زیب	بابر
۲۳۶	۲۷/۱	بالاس	بابالال
۲۳۸	۹/۱	بهگوال داس	بهگوان داس
۲۳۸	۲۱/۲	پتیالوی را پتیاله	در متن جمله ایست: «پتیالوی را پتیاله می نویسد» و تهیه کننده فهرست آن را وارد فهرست کرده است!
۲۳۹	۳/۲	تاگری	ناگری
۲۳۹	۴/۲	تباله	بتاله
۲۳۹	۹/۲	ترنگنی (راج -)	نام کتاب است به فهرست کتابها منتقل شود.
۲۴۱	۱۴/۱	چاپخانه کورنور	چاپخانه کوه نور
۲۴۱	۳/۲	چندلال	چندولال
۲۴۱	۴/۲	چندولال حیدرآبادی و چند [کذا] لال شادان هر دو یک نفر است.	
۲۴۱	۵/۲	چون چکن. بسیار مضحک است. در ترجمه (ص ۱۸۳) چنین آمده است: «واژه های متعدد هندی و اردو چون: اچکن،... بچشم می خورد» و فهرست نویس آن را وارد فهرست کرده است.	
۲۴۱	۶/۲	چون لال	چونی لال
۲۴۱	۱۴/۲	حرات (بخش -)	جرات [قلندریخش]
۲۴۳	۱۶/۱	دلپت رای	دلپت رای

صفحه	ستون/سطر نادرست	درست
۲۴۵	۱۰/۱ رگن صابن	رکن صابن
۲۴۵	۲/۲ زاهد علی خان سنجا	زاهد علی خان سنجا
۲۴۵	۱۹/۲ سالکوتی مل	سیالکوتی مل
۲۴۶	۱۱-۱۰/۱ ستیل داس مختار و ستیل داس ممتاز هر دو یک نفر است، ممتاز تحریف مختار است و ستیل داس درست است.	
۲۴۶	۱۳/۱ ستیل سینگ بی خودی	ستیل سینگ بی خود
۲۴۶	۲۵-۲۴/۱ سراج الدین آرزو و سراج الدین علی خان صاحب هر دو یک نفر است.	
۲۴۶	۵/۲ «سرکار جامون» باید به جامون منتقل شود، سرکار جزو اسم نیست.	
۲۴۷	ستون دوم میان حروف س و ش، اعلام حرف ی ضبط شده است که اشتباه چاپی است.	
۲۴۸	۱۰/۱ شفیق (=لچهمی...)	شفیق (...)
۲۴۸	۱۴/۱ شکرناث نادر ۱۷۹	شکرناث نادر ۱۷۸
۲۴۸	۱۹/۱ شنکرتوساری	شنکرنوساری
۲۴۸	در ستون اول و دوم هم کلمه «شو» آمده هم «شیو». هر دو یکیست، باید املای اوّل یعنی «شو» رعایت می شد.	
۲۴۸	۱۹/۲ صائبانه؛ اولاً معلوم نشد منظور از این کلمه چیست و ثانیاً به صفحه‌ای که ارجاع داده شده (ص ۱۸۵) در آن صفحه این کلمه دیده نمی شود.	
۲۴۹	۵/۱ طوطارم	طوطارام
۲۵۱	۱۲/۱ فقیر عزالدین	فقیر عزیزالدین
۲۵۲	۱۶/۲ کنهالال	کنهالال



صفحه	ستون / اسطر نادرست	درست
۲۵۲	۱۹/۲ کنیهالال	کنیهالال
۲۵۲	۲۵/۲ کوین هیگن	کوین هیگن
۲۵۲	۲۷/۲ که حکم چند	«که» زانداست.
۲۵۲	۲۸/۲ کهنو	لکهنو
۲۵۲	۲۹/۲ کهنه محله وکیل پوره؛ در ترجمه چنین است:	
		وارد شاهجهان آباد شد و در شهر کهنه، محله وکیل پور رخت اقامت انداخته (ص ۲۰۸ - ۲۰۹). پس کهنه محله بی مورد است.
۲۵۳	۲۴/۱ گرت صاحب، اسم کتاب است بدان بخش منتقل شود.	
۲۵۳	۳۰/۱ گلکر	گلکراست
۲۵۳	۳۱/۱ گلکرها	گهکرها
۲۵۴	۲-۱/۱ گورونانک / گورونانک جی هر دو یکیست.	
۲۵	۲۱/۱ لایانه	لدیهانه
۲۵۴	۱۶/۲ لوسیربخت	بابو شریخت [شری جت]
۲۵۴	۲۸/۲ مانا	مانا، آوردن این کلمه در فهرست اعلام بی مورد است.
۲۵۵	۲۸/۲ مختار (=ستیل داس)	... (= ستیل داس)
۲۵۷	۲۸/۲ میان نان سین	میان تان سین
۲۵۸	در ستون اول و دوم گاهی «نارایان» و گاهی «نراین» ضبط شده است. املای دوم درستتر است.	
۲۵۸	۲/۲ تن لال آخرین	... آفرین
۲۵۸	۱۸/۲ نظارةالسند، اسم کتاب است بدان بخش منتقل شود.	
۲۵۸	۲۲/۲ نظامی عروض	نظامی عروضی

صفحه	ستون / سطر نادرست	درست
۲۶۰	۷/۲ هندویت...	هندوپت...
۲۶۰	۲۱/۲ هیرو دوتسل	هیرو دوتس
۲۶۰	۲۸/۲ یوگ و ششست، نام کتاب است بدان بخش منتقل شود.	

از صفحه ۲۶۱ تا ۲۷۲ فهرست کتب و مجلات و... درج شده است و تهیه کننده فهرست در این بخش نام کتب را مثله کرده است، اگر نام کتاب تحقیقات چشتی یا مرآت دولت عباسیه بوده، فهرست نویس آن را به دلخواه خود زیر چشتی، تحقیقات -، و عباسیه، مرآت دولت - آورده است. اما ما در اینجا فقط به ضبط های نادرست می پردازیم.

۲۶۱	۵/۱ آئین (ترجمه بلو خمن)	آئین اکبری (...)
۲۶۱	۶/۱ آئین جیرت	آئین اکبری (ترجمه جیرت)
۲۶۲	۲۸/۲ بهار منثر	بهار نثر
۲۶۳	۱۴/۱ ... کنهالات... علوم انسانی و مطابقت آن با...	... کنهالال...
۲۶۳	۲۱/۲ تنبه الغافلین	تنبيه الغافلین
۲۶۵	۲۲/۲ راجپوتان...	راجپوتان
۲۶۷	۱۹/۱ شرح چغمی	شرح چغمینی
۲۶۹	۹/۱ کنهالال	کنهالال
۲۷۰	۱۹/۱ محاوره دانان ایران، نام کتاب نیست.	
۲۷۰	۲۲-۲۱/۲ مصطلحات وارسته / مصطلحات الشعراء هر دو یکیست.	
۲۷۱	۲۲/۲ نصرت و ظفرپور	نصرت و ظفر برت پور
۲۷۱	۲۳/۲ نظرآبادی	نصرآبادی (تذکره -)
۲۷۲	۲۱/۱ هرچسن	هرجسن

صفحه	ستون/سطر نادرست	درست
۲۷۲	۲۲/۲	هیر و رانجها... کنهیا
۲۷۳	۵	Sujan Rai
۲۷۳	۹	ظاهرأ Aryan

## حواشی

- ۱- بهگوان داس هندی، حدیقه هندی، خطی، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی، قم، شماره ۷۹۰، برگ ۱-۲ ر.
- ۲- همان مأخذ، برگ ۲ پ.
- ۳- همانجا.
- ۴- همانجا.
- ۵- مفیدترین منابع در این مورد فهرست‌های نسخه‌های خطی و تاریخ‌های ادبیات فارسی و تذکره‌های شعرای فارسی است که در این نیم قرن در شبه قاره به طبع رسیده‌اند.
- ۶- متن اردو به نام ادبیات فارسی مین هندوون کاحصه از طرف مجلس ترقی ادب، لاهور، ۱۹۶۷ م طبع شده است و در این نقد به همین چاپ اشاره شده است.



پښتونستان د علوم او مطالعات فریښی  
پرتال جامع علوم انسانی